

آیا زنان برخی از انبیا مرتکب عمل شنیع فحشا شدند؟

مقدمه:

از جمله آیاتی که در مذمت برخی از زنان پیامبران نازل شده آیه دهم سوره تحریم است. در این سوره آمده: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (سوره تحریم، آیه ۱۰).

خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت، و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند. در آیه فوق نسبت به زنان حضرت نوح و حضرت لوط (علیهما السلام) از تعبیر «فخانتاهما» استفاده شده است. تعبیری که اگر درست بیان نشود می‌تواند طعن و نقص بزرگی باشد بر پیکره معصوم رسالت و نبوت، که قدمت آن به بلندای خلقت انسان است.

این طعن و نقص زمانی پررنگ تر می‌شود که برخی آیات ۴۵ و ۴۶ سوره هود را در کنار این آیات گذاشته و حکم به فحشایی همسر حضرت نوح علیه السلام بدهند:

«وَوَدَّيْتُ نُوْحًا رَبَّهُ فَقَالَ رَبُّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ. قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطِكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ».

«نوح به پروردگارش عرض کرد: پروردگارا! پسر من از خاندان من است و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است و تو از همه حکم‌کنندگان برتری). خداوند فرمود: ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است [فرد ناشایسته ای است]! پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من نخواه! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی.» (سوره هود، آیه ۴۵ و ۴۶).

در طرح این موضوع، با دو چالش مواجه هستیم که نیازمند پاسخی منطقی می باشند:

۱. مراد از خیانت چیست آیا مقصود خیانت از نوع فحشاء است و یا منظور خیانت اعتقادی و فرهنگی است؟
۲. این خیانت منحصر به همسر این دو پیامبر بوده و یا شامل برخی از زنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم می شود؟

در مورد دو محور فوق، بین شیعه و اهل سنت و همچنین وهابیت اختلاف شده است به همین بهانه، متأسفانه برخی در طول تاریخ، شیعیان را متهم به توهین به زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، و به تبع آن حکم به کفر آنها نموده اند. غافل از این که تنها شیعه است که ساحت زنان پیامبران الهی را منزله از فحشاء دانسته است و شان پیامبران الهی علیهم السلام را منزله از این اتهام می داند. این نوشتار درصدد بررسی این موضوع می باشد.

دیدگاه شیعه

از نظر شیعه، زنان تمام پیامبران الهی از تهمت فحشاء مبرا هستند، چرا که اعتقاد به چنین مطلبی، موجب طعن برزگی بر انبیا علیهم السلام و سبب عدم پذیرش ادعا، باورها و عقاید آنها می باشد در حالی که خداوند تمام انبیای خود را از هر نقص و عیبی مبرا کرده است.

در طول تاریخ، قاطبه علمای برجسته شیعه، معتقد بودند اگر چه همسران پیامبران الهی معصوم و مصون از خطا نبودند اما هیچ گاه دچار فحشاء نشده اند. گر چه ممکن است به کفر یا نفاق آلوده شده باشند اما هرگز مرتکب فحشا نگردیده اند؛ بنابراین خیانت زنان نوح و لوط که در قرآن کریم به آن اشاره شده از جنس فحشاء نبوده بلکه خیانت آنها از نوع همکاری با دشمنان، نسبت های ناروا و کشف اسرار پیامبران الهی بوده است. در

ذیل روایات و اقوال علمای شیعه بیان می شود:

روایت:

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق) از بزرگان شیعه، و معروف به شیخ الطائفة، روایتی را از ابن عباس نقل نموده که ساحت همسران پیامبران الهی را از فحشاء بری می داند:

روي عن ابن عباس أنه قال : ما زنت امرأة نبي قط ، وكانت الخيانة من امرأة نوح أنها كانت تنسبه إلى الجنون ، والخيانة من امرأة لوط أنها كانت تدل على أضيافه.

الشيخ الطوسي (متوفاي ۴۶۰). التبيان في تفسير القرآن. ج ۵ ص ۴۹۵. ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي. سال چاپ: ۱۴۰۹.

هیچ یک از همسران پیامبران، مرتکب عمل زنا نشدند، خیانت زن نوح این بود که او را متهم به دیوانگی کرده بود و خیانت زن لوط نیز این بود که جای مهمانان حضرت لوط را به کفار نشان داد. باز در همین تفسیر آمده است:

و روي عن علي عليه السلام أنه قرأ و نادى نوح ابنها فنسبه إلى المرأة ، وأنه كان يريبه . و روي عن محمد بن علي بن الحسين عليهم السلام وعروة بن الزبير أنهما قرءا " ونادى نوح ابنه " بفتح الهاء وترك الألف كراهة ما يخالف المصحف ، وأرادا أن ينسباها إلى المرأة ، وأنه لم يكن ابنه لصلبه.

الشيخ الطوسي (متوفاي ۴۶۰ ق). التبيان في تفسير القرآن ج ۵ ص ۴۹۵. جلد : ۵ . ناشر : مكتب الإعلام الإسلامي. سال چاپ : رمضان المبارك ۱۴۰۹.

از امام علی علیه السلام روایت شده است که حضرت آیه را به این صورت می خواند: و نادى نوح ابنها. نوح فرزند آن زن را صدا زد. یعنی نوح فرزند را به زن نسبت داد و او فرزند خوانده نوح بوده است. از امام باقر علیه السلام و عروة بن زبير نقل شده که آنها آیه را این گونه قرائت می کردند: و نادى نوح ابنه. به فتح هاء، بدون الف . بخاطر این که مخالفتی با ظاهر قرآن پیش نیاید. هدفشان از این کار، نسبت دادن فرزند به زن نوح بوده است. و از صلب و نسل نوح نبوده است.

بر اساس روایات فوق زنان پیامبران الهی مرتکب فحشاء نشدند و خیانتی که در قرآن و روایات بدان اشاره شده خیانت در دین بوده است. علمای شیعه از گذشته تا کنون، همواره این نظریه را داده و شان همسران پیامبران الهی را منزّه از فحشاء می دانند. که در ذیل چند مورد آن بیان می شود:

گفتار علمای شیعه در این زمینه

سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ ق):

سید مرتضیة فقیه و متکلم امامی و از علمای برجسته شیعه، در رد کسانی که گمان کرده اند پسر حضرت نوح فرزند ایشان نبوده، و از راه نامشروع متولد شده، می گوید:

الأنبياء عليهم الصلاة والسلام يجب أن ينزّهوا عن مثل هذه الحال، لأنها تُعَرُّ وتُشِين وتُعْضُّ من القدر، وقد جئب الله تعالى أنبياءه عليهم الصلاة والسلام ما هو دون ذلك تعظيماً لهم وتوقيراً ونفياً لكل ما ينفر عن القبول منهم. وقد حمل ابن عباس ظهور ما ذكرناه من الدلالة على أن تأول قوله تعالى في امرأة نوح وامرأة لوط فخانتاهما على أن الخيانة لم تكن منهما بالزنا بل كانت إحداهما تخبر الناس بأنه مجنون والأخرى تدل على الأضياف.

المرتضی علم الهدی، ابوالقاسم علی بن الحسین (متوفای ۴۳۶هـ)، الأمالی، ج ۲، ص ۱۴۴ - ۱۴۵، تحقیق: السید محمد بدر الدین النعسانی الحلبي، ناشر: منشورات مكتبة آية الله العظمي المرعشي النجفي - قم، الطبعة الأولى، ۱۳۲۵هـ - ۱۹۰۷م.

واجب است که انبیا علیهم السلام از چنین اموری پاک باشند؛ زیرا برای آن ها ننگ و عار است و قدر و منزلت آن ها را پایین می آورد؛ در حالی که خداوند به خاطر تعظیم و احترام آنان و دور کردن هر چیزی که مردم را از پذیرش سخنان روی گردان می کند، انبیاءش را از چیزهای کم تر از این نیز منزّه و پاک کرده است.

ابن عباس، جمله «فخانتاهما؛ آن دو خیانت کردند» را این گونه تفسیر کرده است که خیانت آن‌ها زنا نبوده است؛ بلکه یکی از آن‌ها (همسر حضرت نوح) به مردم می‌گفت که او دیوانه شده است و دیگری (همسر حضرت لوط) مردم از جای مهمانان آن حضرت آگاه کرد.

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق):

شیخ طوسی از بزرگترین محدثان و فقیهان شیعه، در تفسیر التبیان می‌فرماید:

(ضرب الله مثلا للذین کفروا امرأة نوح وامرأة لوط کانتا تحت عبدين من عبادنا صالحین) قال ابن عباس : کانت امرأة نوح وامرأة لوط منافقتین (فخانتاهما). قال ابن عباس : کانت امرأة نوح کافرة ، تقول للناس انه مجنون ، وکانت امرأة لوط تدل علی أضيافه ، فکان ذلك خیانتها لهما ، وما زنت امرأة نبي قط ، لما فی ذلك من التنفير عن الرسول وإلحاق الوصمة به فمن نسب أحدا من زوجات النبي إلى الزنا ، فقد أخطأ خطأ عظيما ، و ليس ذلك قولاً لمحصل.

الشیخ الطوسی. (متوفای ۴۶۰ ق). التبیان فی تفسیر القرآن ج ۱۰ ص ۵۲. ناشر : مکتب الإعلام الإسلامی. سال چاپ : ۱۴۰۹ ق.

ابن عباس گفت: همسر حضرت نوح و حضرت لوط علیهما السلام منافق بودند (پس خیانت کردند). ابن عباس گفت: همسر حضرت نوح کافر بود و به مردم می‌گفت نوح دیوانه است. همسر حضرت لوط علیه السلام مردم را از میهمان حضرت لوط علیه السلام با خبر کرد. خیانت آن دو همین بود. هیچ کدام از زنان پیامبران دچار فحشاء نشدند. زیرا چنین مطلبی باعث نفرت از فرستاده خدا و نسبت دادن ننگ و رسوایی به وی می‌باشد؛ کسی که به یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت زنا بدهد دچار خطای بسیار بزرگی شده است و کسی که تحصیل (تحقیق) کرده باشد، چنین سخنی نمی‌گوید.

شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق):

شیخ طبرسی مفسر، متکلم و فقیه شیعی، در تفسیر گرانسنگ مجمع البیان، در رد گفتار حسن بصری و مجاهد مبنی بر این که فرزند نوح، از زنا بوده است می نویسد:

وهذا الوجه بعيد من حيث إن فيه منافاة القرآن، لأنه تعالى قال: (ونادى نوح ابنه) ولأن الأنبياء يجب أن ينزهوا عن مثل هذه الحال، لأنها تعير وتشين، وقد نزه الله أنبياءه عما دون ذلك، توقيرا لهم، وتعظيما عما ينفر من القبول منهم. وروي عن ابن عباس أنه قال: ما زنت امرأة نبي قط، وكانت الخيانة من امرأة نوح أنها كانت تنسبه إلى الجنون، والخيانة من امرأة لوط أنها كانت تدل على أضيافه.

الطبرسي، أبي علي الفضل بن الحسن (متوفای ۵۴۸ هـ)، تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۸۵، تحقیق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م

این دیدگاه بعید به نظر می رسد؛ چرا که با قرآن در تضاد است؛ زیرا خداوند می فرماید که حضرت نوح او را فرزند خود خطاب کرده است و همچنین به این دلیل که واجب است انبیاء از چنین اموری پاک باشند؛ زیرا برای آن ها عیب و عار است و خداوند انبیای خود را به منظور احترام و تعظیم آن ها و دور کردن هر آن چه که پذیرش گفتار آن ها را منفور می کند، از اموری پایین تر از آن پاک کرده است. از ابن عباس روایت شده است که زن هیچ پیامبری هرگز زنا نکرده است و خیانت همسر حضرت نوح این بود که آن حضرت به دیوانگی متهم کرده بود و خیانت همسر حضرت لوط نیز این بود که جای مهمانان را به کفار نشان داد.

محمد صالح مازندرانی (متوفای ۱۰۸۱ ق):

محمد صالح مازندرانی، معروف به ملا صالح مازندرانی از عالمان قرن یازدهم و دهماد مجلسی اول، در شرح کافی خود می نویسد:

فامرأة نوح قالت لقومه: إنه مجنون، وامرأة لوط دلت قومه على ضيفانه، وليس المراد بالخيانة البغي والزنا، إذ ما زنت امرأة نبي قط.

مازندرانی، محمد صالح بن احمد (متوفای ۱۰۸۱ ق)، شرح الکافی الأصول و الروضة، ج ۱۰، ص ۱۰۷، چاپ : اول، سال چاپ : ۱۴۲۱ - ۲۰۰۰ م، ناشر : دار إحياء التراث العربي للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان.

همسر حضرت نوح به قومش گفت که او دیوانه شده و همسر حضرت لوط قومش را از میهمانان او آگاه کرد. بنابراین مقصود از خیانت، فحشا و زنا نیست چرا که همسر هیچ پیامبری، هرگز آلوده عمل منافی عفت نشد.

سید عبدالحسین شرف الدین (متوفای ۱۳۷۷ق):

مرحوم سید شرف الدین فقیه مجاهد، بعد از نقل گفتار سید مرتضی در دوری زنان حضرت نوح و لوط علیهما السلام می نویسند:

إلى آخر كلامه الدال على وجوب نزاهة امرأة نوح وامرأة لوط من الخنا، وعلى ذلك إجماع مفسري الشيعة ومتكلميهم وسائر علمائهم.

شرف الدین الموسوی، السید عبد الحسین (متوفای ۱۳۷۷هـ)، الفصول المهمة في تأليف الأمة، ص ۱۵۶، ناشر: قسم الإعلام الخارجي المؤسسة البعثة - قم، الطبعة: الأولى.

این گفته سید مرتضی دلالت می کند بر وجوب پاکي زن حضرت نوح و حضرت لوط از خیانت، و تمام مفسران، متکلمان و دیگر علمای شیعه بر این مطلب اجماع دارند.

همان طور که بیان شده تمامی علمای شیعه (که تنها تعداد کمی از آن ها در این جا بیان شد) همسران پیامبران الهی را از فحشا مبرا می دانند و تبلیغات سوء دشمنان تشیع مبني بر زناکار دانستن برخی از زنان پیامبران یک دروغ بزرگ تاریخی است. تا جایی که علامه آلوسی از مفسران شهیر اهل سنت با تأیید همین دیدگاه، سخن کسانی را که می گویند شیعه اعتقاد به فاحشه بودن برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، رد و آن را دروغ و شایعه می داند:

ونسب للشيعة قذف عائشة رضي الله تعالى عنها بما براها الله تعالى منه وهم ينكرون ذلك أشد الإنكار وليس في كتبهم المعول عليها عندهم عين منه ولا أثر أصلاً. وكذلك ينكرون ما نسب إليهم من القول بوقوع ذلك منها بعد وفاته صلى الله عليه وسلم وليس له أيضاً في كتبهم عين ولا أثر.

العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ، روح المعاني ج ١٨ ص ١٢٢.

دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت

به شیعیان نسبت داده شده است که به عائشه تهمت زنا که خداوند او را از آن مبرا کرده است، زده‌اند؛ در حالی که خود آن‌ها چنین مطلبی را شدیداً انکار می‌کنند؛ در کتاب‌های مورد اعتماد آن‌ها چنین مطلبی دیده نمی‌شود و اصلاً اثری از آن نیست. همچنین آن‌ها وقوع فحشا را برای عائشه بعد از وفات رسول خدا صلى الله عليه وآله انکار می‌کنند و از این مطلب نیز در کتاب‌های آن‌ها اثری دیده نمی‌شود.

در جایی دیگر جناب آلوسی می‌گوید:

و ما ينسب للشيعة مما يخالف ذلك في حق سيد الأنبياء صلى الله تعالى عليه وسلم كذب عليهم فلا تعول عليه وكان شائعاً.

العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ١٢٧٠هـ، روح المعاني ج ٢٨ ص ١٦٢.

دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

اگر چه آثار و منابع شیعه، ما را بی نیاز از اعتراف کسانی همچون آلوسی می‌کند اما همین اعتراف در مواجهه با کسانی که در این زمینه به شیعه تهمت می‌زنند، کافی است.

دیدگاه اهل سنت و وهابیت

چنانچه گذشت بنا بر نظر شیعه، هیچ يك از زنان پیامبران الهی دچار انحراف از جاده عفت و عمل شنیع زنا نشدند. جنس خیانت آنها مربوط به امور دینی و اعتقادی بوده است. اما در منابع اهل سنت و وهابیت چنین اجماعی وجود ندارد بلکه در منابع اهل سنت و وهابیت، با سه دیدگاه مختلف مواجه می‌شویم:

۱- هیچ يك از زنان انبیا مرتكب فحشا نشده اند.

۲- امکان سر زدن عمل شنیع زنا درباره زنان انبیا وجود دارد.

۳- برخی از زنان انبیا مرتكب فحشا شده اند.

دیدگاه اول:

هیچ يك از زنان انبیا دچار فحشاء نشدند

برخی از بزرگان اهل سنت همانند شیعه معتقدند، هیچ يك از زنان انبیا دچار فحشاء نشدند و زنان انبیا مبرای از این عمل شنیع می باشند. این دیدگاه که منشاء روایی دارد در میان برخی از اهل سنت و وهابیت مشترک است در ذیل ابتدا روایات و پس از آن اقوال طرفداران این نظریه بیان می شود:

روایت:

ابن عساکر در تاریخ دمشق روایتی در نفي عمل زنا، از سوي زنان پیامبران الهی نقل شده است:

أبناً إسحاق عن سفیان الثوري عن أشرس الخراساني يرفعه إلى النبي (صلى الله عليه وسلم) أنه قال ما بغت امرأة نبي قط.

أبو القاسم علي بن الحسن بن هبة الله المعروف بابن عساکر (المتوفى: ۵۷۱هـ). تاریخ دمشق ج ۵۰ ص ۳۱۸. المحقق: عمرو بن غرامة العمروي. الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع. عام النشر: ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: همسر هیچ پیامبری، هرگز آلوده عمل منافی عفت نشد.

در تفسیر صنعانی، روایتی از ابن عباس نقل شده که مراد از فحانتاهما در در سوره تحریم عمل زنا نیست:

عن الثوري وابن عيينة عن موسى بن أبي عائشة عن سليمان ابن قته قال سمعت ابن عباس يسأل وهو إلى جنب الكعبة عن قول الله تعالى (فحانتاهما) فقال أما أنه ليس بالزنا ولكن كانت هذه تخبر الناس أنه مجنون وكانت هذه تدل على الأضياف قال ثم قرأ (إنه عمل غير صالح.

عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: ٢١١ ، تفسير الصنعاني ج ٢ ص ٣١٠، دار النشر : مكتبة الرشد - الرياض -
١٤١٠ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. مصطفى مسلم محمد

ابن قته مي گوید از ابن عباس شنیدم در حالی که در کنار کعبه بود از کلام الله (فخانتهما) سوال شود: ابن عباس گفت: این خیانت زنا نبوده بلکه همسر حضرت نوح مي گفت نوح دیوانه شده و همسر حضرت لوط قومش را از میهمانان حضرت لوط آگاه کرد. سپس ابن عباس این آیه را قرائت کرد إنه عمل غیر صالح

حاکم نیشابوري از بزرگان علم حدیث اهل سنت، ضمن نقل روایت فوق، به صحت سند آن تصریح مي کند:

أخبرنا أبو بكر محمد بن عبد الله الشافعي حدثنا إسحاق بن الحسن حدثنا أبو حذيفة حدثنا سفيان عن موسى بن أبي عائشة عن سليمان بن قتة عن ابن عباس رضي الله عنهما فخانتهما قال ما زنتا أما امرأة نوح فكانت تقول للناس إنه مجنون وأما امرأة لوط فكانت تدل على الضيف فذلك خيانتها هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه.

محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥ هـ ، المستدرک علی الصحیحین ج ٢ ص ٥٣٨، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا

ابن عباس گفت: این خیانت زنا نبوده بلکه همسر حضرت نوح به مردم مي گفت نوح دیوانه شده و همسر حضرت لوط قوم لوط را از میهمانان ایشان آگاه کرد. این خیانت آنها بوده است

حاکم نیشابوري پس از نقل این روایت مي گوید:

سند این روایت صحیح است؛ ولی مسلم و بخاری روایت را نقل ننموده اند.

در تفسیر طبري که از تفاسیر کهن اهل سنت مي باشد، آمده است:

حدثنا بن حميد قال ثنا مهران عن سفيان عن أبي عامر الهمداني عن الضحاک کانتا تحت عبدين من عبادنا صالحين قال ما بغت امرأة نبي قط فخانتهما قال في الدين خانتهما

محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر الوفاة: ۳۱۰ ، تفسیر الطبری ج ۲۸ ص ۱۷۰. دار النشر : دار
الفکر - بیروت.

ضحاک در مورد آیه (کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین) می گوید: همسر هیچ پیامبری هرگز آلوده عمل
منافی عفت نشد، بنابراین مقصود از «فخانتاهما» یعنی آنها در امور دینی به آن دو پیامبر خیانت کردند.
این دیدگاه که مطابق شان و جایگاه پیامبران الهی علیهم السلام می باشد و تمامی علمای شیعه نیز بدان
معتقد بودند در میان اهل سنت و وهابیت طرفدارانی دارد که در ذیل بیان می شود:

گفتار برخی از بزرگان اهل سنت در این زمینه

قرطبی:

قرطبی امام و صاحب فن و متبحر در علم، در تفسیر خود پس از نقل روایتی مبنی بر منزه بودن زنان
پیامبران الهی از عمل زنا، ادعای اجماع نموده مبنی بر این که مراد، خیانت در دین بوده است:
وقال سليمان بن رقية عن بن عباس : كانت امرأة نوح تقول للناس إنه مجنون وكانت امرأة لوط تخبر بأضيافه
وعنه : ما بغت امرأة نبي قط وهذا إجماع من المفسرين فيما ذكر القشيري إنما كانت خيانتها في الدين وكانت
مشركتين

أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: ۶۷۱ ، تفسیر القرطبی ج ۱۸ ، ص ۲۰۲، دار النشر : دار
الشعب - القاهرة

سليمان ابن قته مي گوید از ابن عباس شنیدم در حالی که در کنار کعبه بود از کلام الله (فخانتاهما) سوال شود:
ابن عباس گفت: این خیانت زنا نبوده بلکه همسر حضرت نوح می گفت نوح دیوانه شده و همسر حضرت لوط
قومش را از میهمانان حضرت لوط آگاه کرد. قشیری می گوید: مفسرین بر این مطلب اجماع دارند که خیانت ن
دو زن در امور دینی بوده و هر دو مشرک بوده اند.

سیوطی از بزرگترین دانشمندان علوم قرآنی، با واسطه از قول ضحاک در بیان مقصود از "فخانتاهما" می نویسد:

و أخرج ابن عدي و البيهقي في شعب الإيمان و ابن عساكر عن الضحاک رضي الله عنه في قوله : (فخانتاهما) قال : كانتا كافرتين مخالفتين ولا ينبغي لامرأة تحت نبي أن تفجر

عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: ٩١١ ، الدر المنثور ج ٨ ص ٢٢٨. دار النشر : دار الفكر - بيروت - ١٩٩٣

ضحاک در مورد (فخانتاهما) می گفت: همسر حضرت نوح و حضرت لوط هر دو کافر و مخالف بودند اما سزاوار نیست که زنان پیامبران دچار فحشاء بشوند.

ابن کثیر:

ابن کثیر دمشقی مورخ، مفسر و محدث مشهور در این باره می گوید:

وليس المراد بقوله «فخانتاهما» في فاحشة بل في الدين فإن نساء الأنبياء معصومات عن الوقوع في الفاحشة لحرمة الأنبياء كما قدمنا في سورة النور قال سفيان الثوري عن موسى بن أبي عائشة عن سليمان بن قتة سمعت ابن عباس يقول في هذه الآية (فخانتاهما) قال ما زنتا أما خيانة امرأة نوح فكانت تخبر أنه مجنون وأما خيانة امرأة لوط فكانت تدل قومها على أضيافه.

ابن کثیر دمشقی، إسماعيل بن عمر ابوالفداء القرشي (متوفاي ٧٧٤هـ)، تفسير القرآن العظيم، ج ٤، ص ٣٩٤، ناشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠١هـ.

منظور از این گفته خداوند «فخانتاهما» فحشا نیست؛ بلکه خیانت در دین است؛ چرا که زنان انبیاء از انجام فحشاء معصوم هستند؛ به خاطر احترامی که انبیاء دارند؛ چنانچه پیش از این در سوره نور در این باره سخن گفتیم. سفيان ثوري از موسى بن أبي عائشة از سليمان بن قتة از ابن عباس نقل کرده است که در باره این آیه گفته:

آن‌ها زنا نکرده بودند؛ بلکه خیانت همسر حضرت نوح این بود که به مردم می‌گفت او دیوانه است و خیانت همسر حضرت لوط نیز این بود جای مهمانان را به قوم لوط نشان داد.

ابن کثیر در این نقل ادعا می‌نماید که زنان پیامبران الهی معصوم از انجام زنا هستند.

فخر رازی:

فخر رازی فقیه، فیلسوف و دانشمند علوم معقول و منقول در جواب کسانی که فرزند نوح را زنا زاده معرفی کرده‌اند، می‌گوید:

القول الثالث: أنه ولد على فراشه لغير رشدة، والقائلون بهذا القول احتجوا بقوله تعالى في امرأة نوح وامرأة لوط «فخانتاهما» وهذا قول خبيث يجب صون منصب الأنبياء عن هذه الفضيحة لا سيما وهو على خلاف نص القرآن. أما قوله تعالى «فَخَانَتْهُمَا» فليس فيه أن تلك الخيانة إنما حصلت بالسبب الذي ذكره. قيل لابن عباس رضي الله عنهما: ما كانت تلك الخيانة، فقال: كانت امرأة نوح تقول: زوجي مجنون، وامرأة لوط تدل الناس على ضيفه إذا نزلوا به.

الرازي الشافعي، فخر الدين محمد بن عمر التميمي (متوفى ٦٠٤هـ)، التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، ج ١٧، ص ١١٣، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠م.

دیدگاه سوم این است که: او (پسر نوح) از راه نامشروع متولد شده و در خانه حضرت نوح به دنیا آمده است، دلیل آن‌ها گفته خداوند در باره زنان حضرت نوح و لوط است که فرموده: «فخانتاهما». چنین نظری، گفته ی خبیثی است که واجب است مقام انبیاء علیهم السلام از چنین فضاحتی محفوظ بماند؛ به ویژه که بر خلاف نص قرآن کریم است.

اما مقصود از این گفته خداوند «فخانتاهما»، خیانتی نیست که طرفداران دیدگاه سوم گفته‌اند [بلکه] از ابن عباس سؤال شد که منظور از خیانت در این آیه چیست؟ وی گفت: خیانت همسر حضرت نوح این بود که می‌گفت شوهر

من دیوانه است و خیانت همسر حضرت لوط این بود که مردم را از وجود مهمانان آگاه کرد، آن زمان که مهمانان وارد (خانه لوط) شدند.

اعتقاد به فحشای زنان انبیا چنان قبیح و زشت بوده که آلوسی در مذمت معتقدین به این سخن، می گوید: هر کسی به همسران پیامبران نسبت زنا دهد، خودش فرزند زنا است. او در مورد نسبت هایی که به زنان پیامبر صلی الله و آله (کفر و زنا و ...) می دهند می گوید:

ونقل ابن عطية عن بعض تفسيريها بالكفر والزنا وغيره و لعمرى لا يكاد يقول بذلك إلا ابن زنا

شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألويسي (المتوفى: ١٢٧٠هـ). روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ج ١٤ ص ٣٥٧. المحقق: علي عبد الباري عطية. الناشر: دار الكتب العلمية. بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤١٥ هـ

از ابن عطیه از برخی تفاسیر او نقل شده که فحاشانها، را به کفر و زنا تفسیر کرده است قسم به جانم که ممکن نیست کسی به آنان نسبت زنا دهد، مگر اینکه خودش فرزند زنا باشد.

ابن تیمیه:

ابن تیمیه حرّانی حنبلی که امروزه به عنوان ایدئولوگ وهابیت مطرح می باشد، معتقد است که هیچ يك از زنان پیامبران دچار فحشاء نشده اند و در این باره می نویسد:

و أما البغايا فليس في الأنبياء، ولا الصالحين من تزوج بغيا لأن البغاء يفسد فراشه، ولهذا أبيض للمسلم أن يتزوج الكتابية اليهودية والنصرانية، إذا كان محصنا غير مسافح، ولا متخذ خدن فعلم أن تزوج الكافرة قد يجوز، و تزوج البغي لا يجوز لأن ضرر دينها لا يتعدى إليه، أما ضرر بغاها فيتعدى إليه، و الله أعلم.

ابن تیمیه الحرّانی الحنبلی، ابوالعباس أحمد عبد الحليم (متوفى ٧٢٨ هـ)، الفتاوى الكبرى لشيخ الإسلام ابن تيمية، ج ٤، ص ١٥٨، تحقيق: قدم له حسنين محمد مخلوف، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

اما زنان زنا کار، هیچ نبی و یا صالحی نبوده است که با زنان زناکار ازدواج کرده باشد؛ زیرا زنانی این زنان، سبب از بین رفتن نسل او می شود؛ و به همین دلیل برای مسلمان جایز است که با اهل کتاب یعنی یهود و نصارا ازدواج کند؛ اما ازدواج با زن زناکار جایز نیست! زیرا ضرری که در دین یهودی و مسیحی است، به مسلمان سرایت نمی کند اما ضرر زنانی بدکار، به شوهر سرایت می کند!

در این بین ممکن است سؤالی بدین مضمون مطرح شود اگر واقعا پسر حضرت نوح، از صلب او بود چرا در قرآن آمده است «یا نُوحُ إِنَّهُ لَیْسَ مِنْ أَهْلِکَ»؟ آیا این مساله نشانگر تناقض در قرآن نیست؟ در پاسخ بیان چند نکته شایان ذکر است:

اولا :

در این که آن پسر، فرزند حضرت نوح علی نبینا و آله و علیه السلام بوده شک نیست چرا که این مطلب در قرآن آمده است. قرآن می فرماید: وَ نَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْکَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْکَافِرِينَ. (سوره هود. آیه ۴۲)

نوح فرزندش را که در گوشه ای بود صدا زد: پسر من! همراه ما سوار شو ، و با کافران مباش.

در این آیه قرآن تصریح می کند که آن فرد پسر حضرت نوح علی نبینا و آله و علیه السلام بوده است بنابراین اگر در آیه ی دیگر همین سخن را نفی کند تناقض در آیات پیش می آید. ثانیاً:

آیه مورد مناقشه اهلیت را نفی کرده است نه فرزند نوح بودن را. خداوند متعال به حضرت نوح علیه السلام وعده نجات او و اهل را داده بود. اما از آنجایی که این فرزند از دین پدر خارج شده بود خداوند او را از اهل نوح خارج کرد. و از طرفی اگر فردی اهلیت را به معنای فرزند بودن بداند لازمه اش این است که تمامی آن قوم نجات یافته، فرزندان آن حضرت باشند.

شیخ صدوق در روایتی با سند صحیح از حسن و شاء چنین نقل می کند:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَاءِ
عَنِ الرَّضَاءِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ أَبِي ع قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِنُوحٍ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ لِأَنَّهُ كَانَ
مُخَالِفًا لَهُ وَجَعَلَ مَنْ اتَّبَعَهُ مِنْ أَهْلِهِ قَالَ وَ سَأَلَنِي كَيْفَ تَفْرَعُونَ هَذِهِ الْآيَةَ فِي ابْنِ نُوحٍ فَقُلْتُ تَفَرَّقُوا النَّاسَ عَلَى
وَجْهَيْنِ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ وَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَقَالَ كَذَبُوا هُوَ ابْنُهُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ نَفَاهُ عَنْهُ حِينَ خَالَفَهُ فِي
دِينِهِ

ابن بابویه، محمد بن علی (متوفای ۳۸۱ ق). علل الشرائع ج ۱ ص ۳۰. ناشر: کتاب فروشی داوری. مکان چاپ:

قم

از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می فرمودند: پدرم علیه السلام فرمود: حضرت ابی عبد الله (امام صادق)
علیه السلام فرمودند:

خداوند عز و جل به نوح علیه السلام فرمود: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ» (فرزندت از اهل تو نیست) زیرا با پدرش
مخالفت نمود و در مقابل کسانی که از او پیروی نمودند از اهل او قرار داد. حسن بن علی الوشاء می گوید: امام
علیه السلام از من پرسیدند:

این آیه را که در شأن فرزند نوح علیه السلام است چگونه قرائت می کنند؟ عرض کردم: مردم [مخالفان شیعه] به
دو نحو آن را می خوانند:

الف: إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ ب: إِنَّهُ عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ. طبق قرائت دوم قائلین معتقدند که آن شخص فرزند نوح نبوده
است.

امام علیه السلام فرمودند: دروغ می گویند، او فرزند نوح علیه السلام بوده منتهی وقتی در دین نوح با او مخالفت
نمود خداوند عز و جل وی را از جناب نوح علیه السلام نفی فرمود.

بنابراین پسر نوح از نسل او بوده اما بخاطر مخالفت با دین پدر، خداوند او را از اهل نوح بودن، خارج کرد.

دیدگاه برخی از علمای وهابی

کمیته دائمی مباحث علمی و فتوایی نیز می گویند: زنان انبیاء اگر چه ممکن است کافر هم باشند و دچار

انحراف دینی باشند ولی از فحشاء مبرا هستند.

در کتاب فتاوی اللجنة الدائمة آمده است:

قال ابن عباس رضي الله عنهما في تفسير قوله تعالى: {فَخَانَتْهُمَا} **سورة التحريم الآية ١٠**. قال: (ما زنتا) . و قال:

(ما بغت امرأة نبي قط إنما كانت خيانتها في الدين) و هكذا قال عكرمة و سعيد بن جبیر و الضحاک و غیرهم. و

بین الله سبحانه بالمثل الذي ضربه للذين آمنوا بأسية زوجة فرعون وكان أعتى الجبابرة في زمانه - أن مخالطة

المؤمنين للكافرين لا تضرهم إذا دعت الضرورة إلى ذلك ما داموا معتصمين بحبل الله تعالى متمسكين بدينه كما

لم ينفع صلاح الرسولين: نوح ولوط زوجتيهما الكافرتين، قال الله تعالى: {لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ

دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً} **سورة آل عمران الآية ٢٨**. و لذلك

لم يضر زوجة فرعون كفر زوجها وجبروته، فإن الله حكم عدل لا يؤاخذ أحدا بذنب غيره بل حماها وأحاطها بعنايته

وحسن رعايته واستجاب دعائها وبنى لها بيتا في الجنة ونجاها من فرعون وكيده وسائر القوم الظالمين مما تقدم

في تفسير الآيات من أن ابن نوح ليس ابن زنى وأن عائشة رضي الله عنها برأها الله في القرآن مما رماها به رأس

النفاق و من انخدع بقوله من المؤمنين والمؤمنات، وأن كلا من امرأة نوح وامرأة لوط لم تزن وإنما كانتا كافرتين،

ودلت كل منهما الكفار على ما يسوؤهما ويصد الناس عن اتباعهما.

عضو ... نائب رئيس اللجنة ... الرئيس عبد الله بن غديان ... عبد الرزاق عفيفي ... عبد العزيز بن عبد الله بن باز

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء. فتاوى اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى ج ٣ ص ٢٧٥. جمع و ترتيب:

أحمد بن عبد الرزاق الدويش. عدد الأجزاء: ٢٦ جزءا. الناشر: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء - الإدارة العامة

للطبوع - الرياض

ابن عباس در تفسیر "فخانتاهما" گفته: آن دو زنا نکردند. همچنین گفته: همسر هیچ پیامبری، هرگز آلوده عمل منافی عفت نشد و خیانت آنها در دین بود. این سخن را عکرمة و سعید بن جبیر و الضحاک و ... هم گفته اند. و این که خداوند آسیه همسر فرعون را مثال زده برای کسانی که ایمان آورده اند در حالی که فرعون بزرگ ترین سلطنت زمانش بود.

و ارتباط مومنین با کافرین تا زمانی که ضرورت اقتضا کند ضرری به مومنین نمی زند تا وقتی که مومنین به ریسمان الهی چنگ بزنند و دین را رها نکنند. همانطور که خیر خواهی جناب نوح و لوط سودی برای زنان آنان نداشت.

خداوند متعال می فرماید: مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره ای] نیست مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کند و خداوند شما را از [عقوبت] خود می ترساند و بازگشت [بهمه] [به سوی خداست. (سورة آل عمران، آية ۲۸).

و همینطور کفر و سلطنت فرعون به همسرش ضرری وارد نکرد.

همانا خداوند حکیم و عادل است هیچ کسی را بخاطر گناه دیگری مواخذه نمی کند. خداوند حضرت آسیه را حمایت کرد و او را در تحت عنایت خود قرار داد و دعایش را مستجاب کرد و خانه یی در بهشت برای او ساخت و از شر و حيله فرعون و سایر ظالمین نجاتش داد همانطور که در تفسیر آیات گذشت.

پسر نوح فرزند زنا نبود و خداوند عایشه را از تیرهایی که از سوی راس نفاق [عبدالله بن ابي] به سوی او پرتاب شده بود و برخی از مردان و زنان مؤمن نیز باور کرده بودند، در قرآن تبرئه کرد. (یعنی خداوند عایشه را از تهمت زنا تبرئه کرد). [به اعتقاد اهل سنت و وهابیت زنی که متهم به زنا شد، عایشه بود نه ماریه قبطیه].

هیچ کدام از زنان نوح و لوط زنا نکردند اما کافر بودند. هر يك از این دو زن کافران را از آنچه می خواستند آگاه می ساختند و و مانع می شدند که مردم از آنها پیروی کنند.

اعضای گروه فتوا: عبد الله بن غدیان، عبد الرزاق عفیفی، عبد العزیز بن عبد الله بن باز

این دیدگاه، مربوط به غالب اهل سنت و وهابیت است که موافق با اجماع شیعه می باشد و مبرا بودن زنان انبیاء از فحشا را اثبات می کند. اما برخی از اهل سنت و وهابیان امکان ارتکاب زنان انبیاء را غیر ممکن ندانسته و قائلند که امکان ارتکاب این عمل از سوی زنان انبیاء وجود دارد.

دیدگاه دوم:

امکان ارتکاب عمل شنیع زنا، درباره زنان انبیاء وجود دارد

عده ی معتقدند اگر چه زنا از سوی زنان انبیاء صادر نشده ، اما این مساله محال نیست و امری ممکن می باشد. البانی وهابی از جمله کسانی است که امکان زنا ی زنان پیامبران را قبول دارد و می نویسد:

و إن كان وقوع ذلك ممكنا من الناحية النظرية لعدم وجود نص باستحالة ذلك منهن

أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ).
سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها. ج ٦ ص ٢٧. الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع،
الرياض. الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ٦.

به عنوان یک نظریه، امکان وقوع چنین عملی (زنا) در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد چون در مورد محال بودن چنین عملی از سوی آنها، نقل [آیه یا روایت] صریحی وجود ندارد.

البانی در ادامه می گوید:

أن النبي صلى الله عليه وسلم لم يقطع ببراءة عائشة رضي الله عنها إلا بعد نزول الوحي.
ففيه إشعار قوي بأن الأمر في حد نفسه ممكن الوقوع.

تا زمانی که درباره زنا نکردن عایشه آیه نازل نشده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مبرا بودن وی از زنا، قطع و یقین نداشت.

البانی در ادامه می گوید:

این مطلب [عدم یقین پیامبر صلی الله علیه وآله] ، نشانه ای قوی است مبنی بر اینکه ارتکاب فحشاء از سوی همسران پیامبر صلی الله علیه وآله، امری ممکن است.

أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ).
سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها. ج ٦ ص ٢٧. الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع،
الرياض. الطبعة: الأولى، عدد الأجزاء: ٦

حسن سقاف، عالم مشهور اهل سنت، نیز به این اعتقاد البانی اشاره کرده است:

الالباني يقول بان امهات المومنين و زوجات الانبياء غير محفوظات من الزنا و الفاحشة...

الباني مي گوید که مادران مؤمنان [زنان پیامبر صلی الله علیه وآله] و همسران انبیاء، از انجام زنا و فحشا مصون
نیستند

السيد حسن بن علي السقاف. البشارة والإتحاف بما بين ابن تيمية والألباني في العقيدة من الاختلاف، ج ١ ص
٣٤. الناشر : مكتبة الإمام النووي – عمّان

اعتقاد به چنین سخنی، تنها منحصر به «محمد ناصرالدین البانی» نیست بلکه یکی از شاگردان وی به نام
«محمد ناصر الترمانی» نیز همچون استادش البانی معتقد به امکان زنا در بین زنان پیامبران می باشد
به گونه ای که «محمد نسیب الرفاعی» (از شاگردان البانی) در رد این ادعا اقدام به نوشتن کتابی به نام
«نوال المنی فی اثبات عصمة امهات و زوجات الانبياء من الزني» کرد. که در این کتاب اقوال «ترمانینی»
را رد کرده است.

او صریحاً در این کتاب می نویسد:

فقلت : هل يمكن في نظرک أن يكون الرسول زوج قحبة ... ؟ قال نعم ممكن !!! وما المانع ... ؟

الشيخ محمد نسیب الرفاعی (متوفای ١٤١٣ ق) . نوال المنی فی اثبات عصمة امهات و زوجات الانبياء من الزني
ص ٦٩. دارالميزان. الطبعة الاولى ١٤٢٥ ق

به «ترمانيني» گفتم آيا به نظر تو همسر پيامبر مي تواند فاحشه باشد؟ گفت بله ممكن است!!! چه مانعي دارد؟!

وي در ادامه مي گويد از تک تک افراد حاضر در جلسه پرسيدم:

أما سمعت محمد ناصر الترماني قال : ممكن أن يكون الرسول زوج قحبة فاجاب كل منهم علي حده : نعم سمعته يقول انه ممكن ان يكون الرسول زوج قحبة.

الشيخ محمد نسيب الرفاعي (متوفاي ١٤١٣ ق) . نوال المنى في اثبات عصمة امهات و زوجات الانبياء من الزني

ص ٦٩. دارالميزان. الطبعة الاولى ١٤٢٥ ق

آيا شنيدني كه محمد ناصر الترمانيي گفت ممكن است همسر پيامبر فاحشه باشد؟ تمام آنها جواب دادند بله شنيديم كه ترمانيي مي گفت ممكن است همسر پيامبر فاحشه باشد.

پس ترمانيي نيز همانند الباني وقوع زنا در مورد زنان پيامبران را، ممكن مي داند. جالب اينجاست كه

وجود برخي روايات در منابع مهم اهل سنت اين ديده گاه را تقويت مي كند. همان رواياتي كه الباني از آنها

اين مطلب را برداشت نموده است.

روايت مويد ديده گاه دوم:

چنانچه در سطرهاي قبل بيان كرديم، محمد ناصرالدين الباني وهابي معتقد بود كه پيامبر صلي الله عليه

و آله نسبت به مبرا بودن عايشه از زنا، قطع و يقين نداشت و اين مطلب نشانه اي قوي بر امكان ارتكاب

فحشا از سوي همسران پيامبران مي باشد. پشتوانه نظريه الباني در اين زمينه، روايتي از صحيح بخاري

است در اين كتاب كه به عنوان معتبرترين منبع حديثي اهل سنت به شمار مي رود روايتي نقل شده است

كه حكايت از شك پيامبر صلي الله عليه وآله نسبت به عايشه دارد:

ترديد پيامبر صلي الله عليه و آله در خيانت عايشه:

أَمَّا بَعْدُ يَا عَائِشَةُ فَإِنَّهُ قَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ كَذًا وَكَذًا فَإِنْ كُنْتِ بَرِيئَةً فَسَيَبْرُئُكَ اللَّهُ وَإِنْ كُنْتِ أَلَمَّمْتِ بِذَنْبٍ فَاسْتَغْفِرِي اللَّهَ
وَتُوبِي إِلَيْهِ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اعْتَرَفَ بِذَنْبِهِ ثُمَّ تَابَ إِلَى اللَّهِ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَتْ فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مَقَالَتَهُ قَلَصَ دَمْعِي حَتَّى مَا أَحْسُ مِنْهُ قَطْرَةً ...

محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ، صحيح البخاري ج ۴ ص ۱۷۷۷. دار النشر: دار ابن
كثير ، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا

... اي عايشه، درباره تو چنين و چنان به من رسیده است، اگر تو از آن منزهي، خدا بر پاكي تو گواهي خواهد داد،
و اگر اين گناه را مرتكب شده اي، استغفار كن. چون بنده اگر به گناهش اعتراف كند، سپس توبه نمايد، خدا توبه
اش را مي پذيرد. چون پيامبر صلي الله عليه وآله چنين فرمود: اشكم جاري شد... .

اين روايت اهل سنت بيانگر اين است كه پيامبر صلي الله عليه و آله نسبت به عايشه شك داشته است. و
بر اساس تحليل الباني شك پيامبر صلي الله عليه و آله مويد اين قول است كه امكان چنين عملي از سوي
همسران انبياء وجود دارد.

اما دیدگاه اهل سنت متوقف بر دو نظريه فوق نبوده و عده ي از بزرگان آنها وقوع فحشاء را قطعي دانسته
اند. كه در دیدگاه سوم بيان مي شود.

دیدگاه سوم:

برخي از زنان انبياء مرتكب فحشا شده اند:

با وجود اینکه همه علمای شيعه و بسياري از علمای اهل سنت منكر ارتكاب زنا، از سوي زنان پيامبر صلي
الله عليه و آله بودند اما برخي از بزرگان اهل سنت، وقوع زنا در ميان آنها را نه تنها منكر نشده، بلکه معتقد

بودند که زنان برخی پیامبران مرتکب فحشا شده اند. در ادامه به ذکر نام این افراد و عبارات شان می

پردازیم:

حسن بصری:

حسن بصری که از فقیهان اهل سنت می باشد پسر حضرت نوح را حاصل زنا می دانست.

حَدَّثَنَا الْمُنْذِرُ بْنُ شَادَانَ، ثنا هود، ثنا عَوْْنٌ، عَنِ الْحَسَنِ أَنَّهُ قَرَأَ: عَمِلَ غَيْرَ صَالِحٍ قَالَ: كَانَ وَوَلَدَ زَنِيَّةٍ وَكَانَ يَنْسَبُ إِلَيْهِ فَتَفَاهُ اللَّهُ مُنْذُ يَوْمِ الْعَرَقِ.

الإمام الحافظ أبو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم الرازي. تفسير ابن أبي حاتم ج ٦ ص ٢٠٤٠. دار النشر: المكتبة العصرية - صيدا. عدد الأجزاء: ١٠ جلد. تحقيق: أسعد محمد الطيب.

حسن بصری در مورد عبارت «عمل غیر صالح» (سوره ی هود، آیه ٤٦) می گوید که: پسر نوح حاصل زنا بود و به نوح نسبت داده می شد، در روزی که همه غرق شدند، خداوند نسبت او را به حضرت نوح نفي کرد.

ابن جوزی از علمای اهل سنت، بر این موضوع تصریح دارد که حسن بصری قائل به این بوده که پسر حضرت نوح حاصل زنا بوده است.

والثاني: أنه ولد على فراشه لغير رِشدة ولم يكن ابنه. روى ابن الأنباري باسناده عن الحسن أنه قال: لم يكن ابنه، إن امرأته فجرت

عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي (سنة الوفاة ٥٩٧هـ). زاد المسير في علم التفسير ج ٤ ص ١١٣. الناشر المكتب الإسلامي. سنة النشر ١٤٠٤. مكان النشر: بيروت. عدد الأجزاء ٩.

و قول دوم: اینکه او [پسر نوح] حاصل زنا بود و پسر نوح نبود. ابن انباری (امام و حافظ اهل سنت) با سندش از حسن بصری نقل کرده است که: حسن بصری گفت: او پسر حضرت نوح نبود و همسر وی مرتکب زنا شده بود.

جالب این جاست که در تفسیر طبري روايت معتبري وجود دارد که حسن بصري قسم جلاله مي خورد
مبني بر این که پسر حضرت نوح، فرزند ايشان نبوده و حاصل زنا بوده است. و بلافاصله در تاييد حرف
خود آيه فحانتاهما را مي خواند:

حَدَّثَنَا بِشْرٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا يَزِيدٌ ، قَالَ : حَدَّثَنَا سَعِيدٌ ، عَنْ قَتَادَةَ ، قَالَ : سَمِعْتُ الْحَسَنَ ، يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ : { إِنَّهُ لَيْسَ
مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ } ، فَقَالَ عِنْدَ ذَلِكَ : وَاللَّهِ مَا كَانَ ابْنُهُ نُوْحًا قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ : { فَخَانَتْهُمَا } قَالَ سَعِيدٌ :
فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِقَتَادَةَ ، قَالَ : مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَخْلِفَ .

محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبري، [۲۲۴ - ۳۱۰ هـ]. جامع البيان في تأويل
القرآن ج ۱۵ ص ۳۴۱. المحقق : أحمد محمد شاكر. الناشر : مؤسسة الرسالة. الطبعة : الأولى ، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م.
قتادة از حسن بصري نقل مي کند که شنيدم حسن بصري اين آيه را مي خواند : «انه ليس من اهلك انه عمل
غير صالح» و سپس در هنگام قرائت اين آيه گفت : به خدا سوگند او پسر حضرت نوح نبود سپس اين آيه را
خواند : «فحانتاهما» سعيد گفت : اين مطلب را براي قتاده گفتم، وي گفت : سزاوار نبود حسن بصري قسم
بخورد.

مجاهد:

مجاهد بن جبر، از مفسرين مشهور و بزرگ اهل سنت است که معتقد بود پسر حضرت نوح ، فرزند ايشان
نبود [از راه نامشروع متولد شده است].

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو ، قَالَ : حَدَّثَنَا أَبُو عَاصِمٍ ، قَالَ : حَدَّثَنَا عَيْسَى ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجِيحٍ ، عَنْ مُجَاهِدٍ : { فَلَا تَسْأَلْنِ
مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ } قَالَ : تَبَيَّنَ لِنُوحٍ أَنَّهُ لَيْسَ بِإِبْنِهِ .

محمد بن جرير الطبري (متوفاي ۳۱۰). جامع البيان عن تأويل آي القرآن ج ۱۲ ص ۶۶. تحقيق : الشيخ خليل .
ناشر : دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان. سال چاپ : ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.

ابن ابی نجیح از مجاهد نقل می کند که مجاهد در مورد آیه ی «فلا تسألن ما لیس لک به علم» گفت که خدا برای نوح تبیین کرد که فرزندش پسر او نیست.

ابن جریج:

ابن جریج فقیه، محدث و حافظ و از برجستگان اهل سنت نیز قائل به همین مطلب بوده چنانچه در تفسیر طبری آمده است:

قال بن جریج فی قوله «و نادى نوح ابنه» قال ناداه و هو یحسبه أنه ابنه وکان ولد علی فراشه.

محمد بن جریر الطبری أبو جعفر (متوفای ۳۱۰)، تفسیر الطبری ج ۱۲، ص ۵۰، ناشر: دار الفکر - بیروت - ۱۴۰۵.

ابن جریج در مورد آیه «و نادى نوح ابنه» گفت: نوح گمان می کرد که او پسرش است در حالی که آن پسر در خانه نوح متولد شده بود (و فرزند نوح نبود).

قرطبی نیز تصریح می کند که حسن بصری، مجاهد و ابن جریج پسر حضرت نوح را فرزند مشروع ایشان نمی دانستند:

وَقَالَ الْحَسَنُ: مَعْنَى «عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» أَنَّهُ وُلِدَ عَلَى فِرَاشِهِ وَلَمْ يَكُنْ ابْنَهُ. وَكَانَ لَغَيْرِ رَشْدَةٍ وَقَالَ أَيْضًا مُجَاهِدٌ. قَالَ قَتَادَةُ سَأَلْتُ الْحَسَنَ عَنْهُ فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا كَانَ ابْنَهُ، قُلْتُ إِنَّ اللَّهَ أَخْبَرَ عَنْ نُوحٍ أَنَّهُ قَالَ: "إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي" فَقَالَ: لَمْ يَقُلْ مِنِّي، وَهَذِهِ إِشَارَةٌ إِلَى أَنَّهُ كَانَ ابْنُ امْرَأَتِهِ مِنْ زَوْجٍ آخَرَ، فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ حَكَى عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: "إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي" وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ "وَلَا يَخْتَلِفُ أَهْلُ الْكِتَابِينَ أَنَّهُ ابْنُهُ، فَقَالَ الْحَسَنُ: وَمَنْ يَأْخُذُ دِينَهُ عَنِ أَهْلِ الْكِتَابِ! إِنَّهُمْ يَكْذِبُونَ. وَقَرَأَ: "فَخَانَتْهُمَا. " وَقَالَ ابْنُ جُرَيْجٍ: نَادَاهُ وَهُوَ يَحْسَبُ أَنَّهُ ابْنُهُ، وَكَانَ وُلِدَ عَلَى فِرَاشِهِ، وَكَانَتْ امْرَأَتُهُ خَانَتْهُ فِيهِ، وَلِهَذَا قَالَ: "فَخَانَتْهُمَا".

أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، الجامع لأحكام القرآن ج ۹ ص ۴۶، الناشر دار الشعب - القاهرة.

حسن بصری گفته است: معنی «عمل غیر صالح» این است که پسر نوح در غیاب او متولد شده است و پسرش نبود و فرزند نامشروع بود و مجاهد نیز اینگونه گفته است.

همچنین مجاهد گفته است که قتادة از حسن بصري در مورد این آیه سوال کرده و حسن بصري گفت : به خدا سوگند او پسرش نبود. گفتم خدا در قرآن به نوح خبر داده و گفته است که : «ان ابني من اهلي» گفت : نگفته است «مني» ؛ این نوع سخن گفتن اشاره به آن دارد که فرزند همسرش از شوهر دیگری بوده است!!! به او گفتم : خداوند در مورد او گفته است : «ان ابني من اهلي» «و نادی نوح ابنه» و اهل دو کتاب [تورات و انجیل] در این اختلافی ندارند که او پسرش بوده است. حسن بصري گفت : چه کسی دینش را از اهل کتاب می گیرد؟! آن ها دروغ می گویند!!! و این بخش آیه را خواند : «فخانتاهما» آن دو (زن نوح و زن لوط) خیانت کردند. ابن جریج نیز گفته است : حضرت نوح پسرش را صدا می زد در حالی که گمان می کرد او پسرش است در حالی که در غیابش متولد شده بود و همسرش به او خیانت کرده بود و به همین دلیل گفته شده : «فخانتاهما».

عبید بن عمیر و ابن سیرین:

ابن عطیة تصریح می کند که حسن بصري، عبید بن عمیر و ابن سیرین پسر حضرت نوح را حاصل عمل

نامشروع می دانستند:

وقالت فرقة: المراد أنه ليس بولد لك، و زعمت أنه كان لغية وأن امرأته الكافرة خائنه فيه، هذا قول الحسن وابن سيرين وعبید بن عمیر.

أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطية الأندلسي (متوفاي ٥٤٦هـ) ، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز ج

٣ ص ١٧٦. دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان - ١٤١٣هـ - ١٩٩٣م ، الطبعة: الاولى ، تحقيق: عبد السلام عبد

الشافعي محمد.

برخي مي گویند: مراد از آیه «يا نوح انه ليس من اهلك» این است که او فرزند حضرت نوح نبود بلکه از زنا پدید

آمده بود. همسر حضرت نوح کافر بوده و به او خیانت کرد. این قول حسن و ابن سیرین و عبید بن عمیر است.

ثابت بن الحجاج الكلابي:

ثابت بن الحجاج الكلابي، از تابعین می گوید پسر نوح در غیاب او متولد شده بود:

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَرَفَةَ، ثنا عَلِيُّ بْنُ ثَابِتِ الْجَزْرِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بُرْقَانَ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْكِلَابِيِّ، فِي قَوْلِ اللَّهِ: "وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ" قَالَ: وُلِدَ عَلِيٌّ فِرَاشِهِ.

الإمام الحافظ أبو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم الرازي، تفسير ابن أبي حاتم ج ٦ ص ٢٠٣٤. دار النشر: المكتبة العصرية - صيدا. عدد الأجزاء: ١٠. تحقيق: أسعد محمد الطيب.

ثابت بن الحجاج الكلابي در مورد آیه ی «و نادى نوح ابنه» گفته است: پسر وی [تنها] در خانه ایشان متولد شده بود.

شعبي:

شعبي از محدثان و بزرگان اهل سنت، قائل به زناکار بودن همسر حضرت نوح بود. ابن جوزي از شعبي چنین نقل می کند:

و عن الشعبي قال لم يكن ابنه إن امرأته خانته.

عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي الوفاة: ٥٩٧ هـ، زاد المسير ج ٤ ص ١١٣. دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ١٤٠٤ هـ، الطبعة: الثالثة.

آن پسر فرزند حضرت نوح نبوده و همسرش به او خیانت کرده بود.

زمخشري:

ابن جزى کلبی می گوید: زمخشري پسر نوح را زنا زاده می دانست.

و قال الزمخشري لم يكن ابنه ولكنه خانته أمه وكان لغير رشده ...

محمد بن أحمد بن محمد الغرناطي الكلبی الوفاة: ٧٤١ هـ، التسهيل لعلوم التنزيل ج ٢ ص ١٠٦. دار النشر: دار الكتاب العربي - لبنان - ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م، الطبعة: الرابعة

و زمخشری گفته است که وی پسر حضرت نوح نبود و مادر آن پسر به حضرت نوح خیانت کرده بود و [پسر نوح] زنازاده بود....

محقق کتاب مفتاح الغیب فخر رازی:

فخر رازی اگر چه خودش انجام زنا از سوی زنان پیامبران را نفی کرده، اما محقق کتاب این سخن او را رد نموده و می گوید:

لعل امرأتي نوح و لوط عليهما السلام كانتا كذلك و مما يدل عليه وصف الله تعالى لهما بالخيانة و من معاني الخيانة هذا المعنى فلا يجوز العدول عن المعنى الظاهر إلى غيره بدون حاجة. ولا سيما إذا ضم إلى هذا قول الله لنوح حين قال:

رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي [هود: ٤٥] إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ [هود: ٤٦] والأهل هم آل الشخص وقرابته الأذنون ولا يجوز صرف الأهل إلى غير ذلك بلا ضرورة والله أعلم.

محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي (المتوفى: ٦٠٦هـ)، التفسير الكبير ج ٢٣ ص ٣٣٧، تحقيق: مكتب تحقيق دار إحياء التراث العربي، ناشر: دار إحياء التراث العربي، چاپ سوم، ١٤٢٠ هـ.

چه بسا زن نوح و لوط این گونه [زناکار] بوده اند. و آنچه بر این مطلب دلالت می کند وصفی [خیانت] است که خداوند در قرآن آورده است. و یکی از معنای خیانت همین است. پس جایز نیست بدون نیاز، یک کلمه را به معنای غیر ظاهری آن عدول کرد. خصوصا زمانی که کلام نوح و خداوند را در کنار هم قرار می دهیم. «رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي، إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ.» اهل به خانواده و نزدیکان او اطلاق می شود. و جایز نیست این را به غیر اهل اطلاق کنیم.

چنانچه گذشت عده ای از علما و بزرگان اهل سنت ساحت زنان پیامبران الهی را منزّه از ارتکاب فحشاء ندانسته و همسر حضرت نوح و حضرت لوط را نستجیر بالله زناکار پنداشتند. با کاوش در منابع حدیثی

اهل سنت، در مي يابيم که نسبت فحشا تنها منحصر در همسر آن دو پيامبر الهي نيست بلکه برخي از روايات وجود دارد که انگشت اتهام را متوجه عايشه همسر پيامبر اکرم صلي الله عليه وآله نموده و ايشان را زناکار معرفي مي نمايد. در قبل بيان نموديم که در صحيح بخاري روايتي وجود دارد که نشانگر اين است که نعوذ بالله پيامبر اکرم به همسر خود شک داشته و احتمال مي دادند که وي مرتکب عمل شنيع فحشا شده است اما بر اساس روايت صحيح بخاري، ماجراي اتهام فحشا به عايشه در حد شک نيست نبود بلکه به گفته عايشه برخي از افراد ديگر همچون پدر و مادرش يقين به ارتکاب فحشا از جانب وي دارند که در ادامه به ذکر اين روايت مي پردازيم:

پدر و مادر عايشه نيز سخنان مردم را تصديق مي کردند

بخاري در صحيح خود به نقل از عايشه مي نويسد که بعد از انتشار شايعه ارتکاب فحشا از جانب وي، خطاب به پدر و مادرش چنين گفت:

إني والله لقد علمت أنكم سمعتم ما يتحدث به الناس ووقر في أنفسكم وصدقتم به ولئن قلت لكم إني بريئة والله يعلم إني لبريئة لا تصدقوني بذلك ولئن اعترفت لكم بأمر الله يعلم أنني بريئة لتصدقني والله ما أجد لي ولكم مثلاً إلا أبا يوسف إذ قال «فصبر جميل والله المستعان على ما تصفون».

البخاري الجعفي، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل (متوفاي ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ج ۲، ص ۹۴۵، ح ۲۵۱۸، تحقيق

د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

به خدا سوگند مي دانم که شما اين تهمت را شنيده ايد، و به آن اطمینان کرده و اين مطالب را تصديق کرده ايد، اگر بگويم: من مرتکب اين گناه نشده ام، خداوند مي داند که من مرتکب نشده ام (سودی ندارد) شما سختم را باور و مرا تصديق نخواهيد کرد؛ اما اگر به انجام آن اعتراف کنم؛ در حالی که انجام نداده ام، مرا تصديق و اين مطلب را باور مي کنيد. هيچ مثلي را براي خود و شما نمی يابم جز کلام پدر يوسف که گفت: (فصبر جميل والله المستعان على ما تصفون).

همانطور که در نقل فوق گذشت، ابوبکر و ام رومان سخن مردم درباره عایشه را [ارتکاب زنا] تصدیق کرده بودند و با تمام وجود این مطلب را باور داشتند. نکته حائز اهمیت این است که اعتقاد ابوبکر نسبت به ارتکاب فحشا توسط عایشه، در حد باور و تصدیق قلبی باقی نماند بلکه در روایت دیگری، ابوبکر در برابر عایشه، از واژه خیانت استفاده می کند:

طبرانی یکی دیگر از علمای اهل سنت در کتاب معجم الکبیر بعد نقل ماجراهایی در مورد عایشه، نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله بر او وارد شد و او را نصیحت کرد، در این حین ابوبکر وارد شد و رو به پیامبر صلی الله علیه و آله چنین گفت:

يا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَنْتَظِرُ بِهَذِهِ التِّي خَانَتْكَ وَفَضَحْتَنِي ...

سلیمان بن أحمد بن ایوب أبو القاسم الطبرانی الوفاة: ۳۶۰. المعجم الکبیر ج ۲۳ ص ۱۱۷، دار النشر: مکتبة

الزهراء - الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقیق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي

چرا صبر کردی و طلاق نمی دهی این زنی را که به تو خیانت کرد و من را بی آبرو کرد..

بر اساس نقل فوق در پندار ابوبکر عایشه اهل خیانت است و این مطلب کاملاً برایش مسلم می باشد از این رو وی را باعث آبروریزی خود می داند.

اما بنابر روایت صحیح بخاری، تنها ابوبکر و ام رومان نیستند که عایشه را زنا کار می پندارند بلکه سایر همسران آن حضرت نیز وی را مرتکب فحشا می دانند:

همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله عایشه را متهم می دانستند:

بخاری روایتی را نقل نموده که دیگر همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز او را متهم می دانستند:

فقلت انذني لي إلى أبوي قالت وأنا حينئذ أريد أن أستيقن الخبر من قبلهما فأذن لي رسول الله صلى الله عليه وسلم فأتيت أبوي فقلت لأمي ما يتحدث به الناس فقالت يا بنية هوني على نفسك الشأن فوالله لقلما كانت امرأة قط وضيئة عند رجل يحبها ولها ضرائر إلا أكثرن عليها.

البخاري الجعفي، ابو عبدالله محمد بن إسماعيل (متوفاي ۲۵۶هـ)، صحيح البخاري، ج ۲، ص ۹۴۴، ح ۲۵۱۸، كتاب الشهادات، باب تَعْدِيلِ النِّسَاءِ بَعْضُهُنَّ بَعْضًا، تحقيق د. مصطفى ديب البغا، ناشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

به رسول خدا صلي الله عليه و آله گفتم: به من اجازه بده تا به خانه پدر و مادرم بروم و هدف من اين بود که به خبرهای که از آن‌ها به من رسیده بود، مطمئن شوم، رسول خدا صلي الله عليه و آله اجازه داد، پيش پدر و مادرم رفتم و به مادرم گفتم: مردم چه می گویند؟ مادرم گفت: نگران مباش، زنی را که شوهرش او را دوست دارد، هوهوایش زياد در باره او سخن می گویند.

آنچه در دیدگاه سوم گذشت بیانگر اين بود که عده اي از علما و بزرگان اهل سنت همسران برخي از انبياي گذشته را زناکار دانستند؛ اما همانگونه که ملاحظه نمودید بر اساس منبع دست اول حدیثي اهل سنت يعني كتاب صحيح بخاري، اين دیدگاه نسبت به یکی از همسران پیامبر خاتم صلي الله عليه وآله نیز جاري گشته بود و وي نیز از اين اتهام مصون نمانده بود.

نتیجه:

همانطور که گذشت علما و بزرگان شیعه در طول تاریخ اجماع بر عدم ارتکاب فحشا از سوي زنان انبياء عليهم السلام دارند و ساحت آنان را منزّه و مبراي از هر گونه عمل منافي عفت مي دانند و اعتقاد به چنین عملي را توهين پیامبران الهي عليهم السلام مي دانند بنابراین در تفسیر عبارت «فخانتاهما» جنس خیانت زنان نوح و لوط عليهم السلام را خیانت در دین مي دانند و معتقدند که نه آنها و نه هیچ یک از زنان دیگر پیامبران الهي دچار فحشاء نشده اند. چرا که اثبات اين عمل را، طعن و نقص بزرگی بر انبياء مي دانند. ولي در میان اهل سنت و وهابيت اختلاف عجيب در رد يا اثبات فحشاء در میان همسران انبياء وجود داشت و برخي منکر ارتکاب عمل فحشاء در میان زنان انبياء بودند؛ اما برخي قائل به امکان اين عمل

شنيع و عده اي ديگر هم معتقد به ارتكاب فحشاء در ميان همسران انبياء الهي هستند و در اين راستا رواياتي نيز در منابع دست اول حديثي اهل سنت بود كه در ضمن اين نوشتار بيان گرديد.

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقيقاتي حضرت ولي عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف